



انترناسیونال

۱۰۴

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۸ شهریور ۱۳۸۴، ۹ سپتامبر ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

رانندگان شرکت واحد
چراغها را روشن میکنند!

صفحه ۷

فراخوان به تظاهرات
در اعتراض به حضور احمدی نژاد
در سازمان ملل

صفحه ۶

سرود انترناسیونال در
گورستان خاوران

صفحه ۷

در حاشیه رویدادها
در حاشیه تخلیه نوار غزه

صفحه ۸

سیاوش مدرسی



مصاحبه با آذر ماجدی

رئیس دفتر سیاسی

جمله شروع میشود که "قانون اساسی پیشنهادی عراق به یک نظام اسلامی، قومی و ضد زن در عراق رسمیت میبخشد." و نتیجه میگیرد که این در ضدیت آشکار با منافع مردم در عراق است. لطفا در این مورد توضیحات بیشتری بدهید.

صفحه ۳

در باره بیانیه دفتر سیاسی پیرامون نظام حکومتی در عراق

محسن ابراهیمی: دفتر سیاسی حزب بیانیه ای پیرامون نظام حکومتی عراق صادر کرده است که متن آن در شماره قبلی چاپ شده است. بیانیه با این



کارگران اعتصابی پیتزا

به صف حزب کمونیست کارگری پیوستند!

حزب کمونیست کارگری به طور فعال در راهپیمایی بزرگ کارگران در ۵ سپتامبر (Labour Day) در تورنتو شرکت کرد. پرچمهای سرخ مارکس و حکمت و شعارهای برابری طلبانه حزب به این راهپیمایی جلوه شکوهمندی داد. وقتی صف حزب از مقابل کارگران اعتصابی پیتزایی رد میشد، این کارگران به صف حزب پیوستند و همراه اعضا و فعالین حزب راه پیمایی کردند.

زنده باد همبستگی کارگری!

درخواست از نجات یافتگان و

بازماندگان قتل عام تابستان ۱۳۶۷

صفحه ۶

پیگرد ۱ منتشر شد!

صفحه ۳

در پاسخ به

فراخوان مالی حزب

لیست شماره ۴ و ۵

صفحات ۴ و ۵

اعدام فعالین سیاسی

یک زنگ خطر!

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۶



یکماه کمپین

مالی

یک ماه شور و

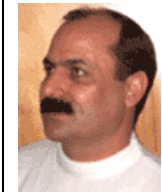
همبستگی

شهلا دانشفر

پی داشت. این کمپین تحریک جدیدی در حزب بوجود آورد. به ما نشان داد که مشکل مالی را باید در جامعه و با روی آوردن به

صفحه ۴

کمپین یکماه ۱۰۰ هزار دلار حزب که در نیمه اوت اعلام شد، یک کمپین سیاسی بود که تا همین جا برای شخص من درسهای بزرگ و آموزنده ای در



ستون اول

محسن ابراهیمی

اتحاد مقدس خدا و سرمایه!

در حاشیه طوفان کاترینا

طوفان ویرانگر، قربانیان فقیر

وقتی مراکز هواشناسی آمریکا خبر از نزدیک شدن طوفان ویرانگر کاترینا را دادند، جورج واکر بوش، خسته از کار طاقت فرسای استقرار دموکراسی در عراق، یعنی همان "جمهوری اسلامی عراق"، در مزرعه شخصی اش در تکراس مشغول استراحت بود و کنگره هم در تعطیلات تابستانی بسر میبرد. طوفان فرارسید. سه ایالت آلاباما، می سی سی پی و لوئیزیانا را زیر آب برد. خانه ها و بیمارستانها و مدارس را ویران کرد. دهها هزار آواره، هزاران گمشده و تعداد وسیعی جنازه برجای گذاشت. کاترینا، بخش اعظم قربانیانش را از میان بیماران و پیران و کودکانی "انتخاب" کرد که به نحو چشمگیری از میان طبقات محروم و سیاه پوست جامعه بودند. و اینها اتفاقا همان انسانهایی هستند که کمی پیش از نیروی ویرانگر طبیعت مشمول ویرانگری سرمایه شده بودند. همانهایی هستند که اولین قربانیان قطع

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ستون اول

از صفحه ۱

خدمات اجتماعی و پزشکی توسط کاخ سفید بودند. کاترینا کار جرح بوش را به نحو درخشانی تکمیل کرد. بیدفاعترین و فقیرترین بخش جامعه را با قساوت تمام به کام مرگ و نابودی کشاند.

در همان گزارشات اول رسانه ها معلوم شد که بیشترین قربانیان کاترینا از میان "طبقات تحتانی" جامعه هستند. تحلیلگران حیرت کردند که چگونه در ثروتمندترین و پیشرفته ترین کشور صنعتی جهان، یک طوفان بیش بینی شده فاجعه ای با چنین ابعاد گسترده می آفریند! بازماندگان، کاخ سفید را زیر سؤال بردند که گارد ملی، کشتیها و هواپیماها و هلی کوپترهایی که باید در چنین روزهایی به کمک مردم بیایند کجا هستند! و همه اینها

اشاره تلخی به این حقیقت بود که وقتی طبیعت در آمریکا کشتار میگرد نیروهای نظامی آمریکا مشغول حقنه کردن باندهای اسلامی و قوم پرست بر سر مردم عراق بودند! اشاره به این حقیقت بود که سران سیاسی ای که ادعا میکنند مردم آمریکا را در مقابل خطر حمله با سلاح کشتار جمعی محافظت میکنند همان مردم را در مقابل یک

کشتار جمعی پیش بینی شده به طور کامل رها کرده اند. اشاره به این بود که آنهایی که برای نابودی اشباح سلاحهای کشتار جمعی یک ماشین عظیم نظامی را بسیج کردند و یک کشور را به خاک و خون کشیدند، در مقابل سلاح کشتار جمعی کاترینا

حتی گوشه ای از این ماشین را هم به کار نیانداختند. به این ترتیب انگشت اتهام به سمت کاخ سفید و جرح بوش و دار و دسته اش نشانه رفت که این بخش فقرزده و کارکن جامعه آمریکا را با بیتفاوتی و خونسردی تمام در چنگال بیرحم طوفان کاترینا رها کردند! محض اطلاعاتتان، سالهاست که برای بازسازی سدهای شهر طوفان زده نشوآورلئان از دولت آمریکا درخواست بودجه میشود که با بی اعتنائی کامل رد شده است. و این بودجه معادل هزینه فقط یک روز ماشین نظامی آمریکا در عراق است!

بوش و سلحشورانش
وقتی طوفان فرونشست تازه کاخ

از سلاخی مردم عراق مشغول اسب چرانی در مزرعه شخصی اش بود. این البته يك خصوصیت ژنتیک نیست که رفتار سیاسی سلسله بوش را اینچنین به هم شبیه میکند. این ملزومات سیاسی يك نظم اقتصادی و اجتماعی است که پدر و پسر را هم جهت میکنند. پدر پیشاهنگ "طلوع خونین" نظم نوین جهانی بود. پسر



بگوید: "God bless you, God bless America" تا نشان دهد که خدا و رئیس جمهور مومنش همیشه در فکر مردم هستند! و این تلاش مذبوحانه ای



راه پدر را ادامه میدهد. همراه رئیس جمهور، سر و کله سلحشوران شناخته شده نظم نوین، دیک چینی و رامزفیلد و ژنرال مایر در پشت دوربینها پیدا شد. اینها همان کسانی هستند که در لحظات تخریب طوفان کسی قیافه شان را در تلویزیونها ندید در حالیکه هنگام تدارک حمله به عراق ۲۴ ساعت مقابل دوربینها بودند تا مردم جهان را با اطلاعات ساختگی برای جنایت در حال وقوع در عراق آماده کنند. رامزفیلد، این مانپولاتور رسانه ای حرفه ای پنتاگون، کسی که عادت داشت در مقابل هر سؤال کوتاه در باره حمله به عراق داستانهای بلند بسافد، اینبار در مقابل يك سؤال حیاتی به يك پاسخ کوتاه اکتفا کرد. سؤال: پنتاگون

دقیقا چگونه و با چه برنامه زمانبندی شده به استقبال کاترینا رفت؟ جواب: باید بگیریم که نمیدانم! نمیدانست چون کاخ سفید و پنتاگون در واقع هیچ برنامه ای برای محافظت مردم از طوفان نداشتند. طوفان کاترینا هنگامی به مسئله کاخ سفید تبدیل شده که انگشت اتهام يك کشتار جمعی به سمت جرح بوش نشانه رفت. آنها مقابل دوربینها ظاهر شدند تا خود را نجات دهند نه مردم را. جرح بوش گفت که شخصا يك کمیسون تحقیق راه خواهد انداخت تا روشن شود اشکال کار کجاست. طبق معمول، سردهسته دزدها مسئول پیدا کردن دزد شد! متهمین ردیف اول خود شاکي



شدند. دیپارتمانهای دولت فدرال همدیگر را، همه آنها باهم مقامات محلی را، و همه باهم خود مردم را متهم کردند که چرا به حرف مقامات گوش ندادند و به موقع شهرها را تخلیه نکردند! و البته جواب تمام این زعبیلات را يك مادر خشمگین در مقابل سؤال يك خبرنگار داد.

سؤال خبرنگار: چرا شهر را به موقع ترك نکردید؟ جواب: با چه وسیله ای و به کجا؟

"غار تگران" طوفانزده

در کنار این مراسم توجیهی سازمانیافته، جرح بوش، ته مانده گارد ملی را به شهرهای ویران شده غرق در آب و ویروس و باکتری وبا و تیغیوید روانه کرد. اولویت این گارد ملی چه بود؟ نجات املاک و دارایی مردم از دست "غار تگران"! ماشین مانپولاتور کاخ سفید يك وقاحت تبلیغی دیگر علیه قربانیان کاترینا راه انداخت. قربانیان کاترینا به مثابه دیوان "غار تگر" معرفی شدند که عملیات نجات فرشتگان پنتاگون را سد کرده اند. آنهایی که مردم فقیر و حیات و کاشانه شان را بی دفاع در

مقابل خشم ویرانگر طوفان کاترینا رها کرده بودند این بار به عنوان قهرمانان نجات مال مردم از دست "غار تگران" ظاهر شدند. فرمان "shoot to kill" صادر کردند و دست گارد ملی را برای درجا کشتن "غار تگران" باز گذاشتند. به گرسنگان و تشنگان و بیماران مستاصل نشوآورلئان علنا گفتند که این تفنگچیها "قهرمانان تکریت و فلوجه" هستند و "بلند چگونگی بکشند!" و گزارشها نشان میدهند که تعداد زیادی از این "غار تگران"، همان مردم وحشت زده مستاصلی بودند که دنبال آب برای تشنگان، غذا برای گرسنگان و دارو برای بیمارانی بودند که دسته دسته در مقابل چشمانشان میمردند و در هوای گرم سواحل طوفان زده متلاشی میشدند. اما، از پشت این تبلیغات سازمان یافته، مردم جهان حقیقت دیگری را مشاهده کردند. دیدند که چگونه همان مردم "غار تگر"، صحنه های شورانگیزی از کمک به همدیگر را به نمایش گذاشتند. دیدند که همان مردم طوفان زده حتی حاضر نبودند سگ و گربه خود را تنها به امان خدا و جرح بوش رها کنند!

فرشتگان نجات

در این میان، بوش پدر و کلینتون، دست بکار شدند تا از کیسه مردم برای خود و نظامشان اعتبار سیاسی دست و پا کنند. از مردم خواستند پول به "ارتش رستگاری" و صلیب سرخ بدهند که در خدمت طوفانزدهگان خرج شود. کسانی که يك دوره در راس ماشین دولتی سرمایه داری آمریکا تسمه از کرده طبقه کارگر آمریکا و جهان کشیده بودند به قالب فرشتگان خیر در آمدند. این به يك پدیده رایج در جهان سرمایه داری تبدیل شده است که هنگام فجایع طبیعی ماشین عوامفریبی سرمایه هم فعال میشود. سازماندهندگان حرفه ای بهره کشی از کارگران به پهلوانان امور خیریه تبدیل میشوند. برآستی دموکراسی آمریکا همه تناقضات و قدرتها و ضعفها و ریاکاریها و جنایتکاریها و عوامفریبیهای بورژوازی جهان معاصر را یکجا در خود متمرکز کرده است!

باید اعتراف کرد که طوفان صفحه ۵

از صفحه ۱

مصاحبه با آذر ماجدی

آذر ماجدی: قانون اساسی پیشنهادهای حاصل بند و بسط آمریکا با جریانات اسلامی و قومی برای حاکم کردن یک نظام قومی - مذهبی بر عراق است. حمله نظامی آمریکا و بریتانیا شرایط را برای تحرك و فعالیت های تروریستی جریانات اسلامی و قومی مهیا کرد. این حمله و عواقب آن علاوه بر از هم پاشیدن شیرازه جامعه، تحمیل فقر و فلاکت گسترده و ناامنی مطلق، جریانات اسلامی را به جان مردم انداخت و سایه تروریسم را بر بالای سر مردم قرار داد. مردم عراق را که پیش از این نیز به کرد و شیعه و سنی تقسیم شان کرده بودند در گرداب جدایی و نفرت قومی و مذهبی اسیر کرد. تقسیم بندی انسان ها به اقوام و مذاهب مختلف و الصاق هویت ملی - مذهبی بر سینه آنها دستاورد این جنگ خونین و سیاست نظم نوینی آمریکا است.

استقرار یک نظام اسلامی و قومی بمعنای تثبیت و تداوم این شرایط سیاه و خونبار در جامعه عراق است. نتیجه آن وجود یک جنگ و کشمکش دائمی در میان مردم و در دل جامعه است. مردم را در چنگال تعصبات و کینه های ملی - مذهبی اسیر میکند و امکان یک زندگی متمدن، آزاد و انسانی را از مردم سلب میکند. ساکنین چنین جامعه ای نه شهروندان متساوی الحقوق، و انسان هایی برابر، بلکه تیول رهبران خود گمارده مذهبی و قومی محسوب میشوند. این یک عقب گرد عظیم و یک سرنوشت تلخ و سیاهی است که دارند در جامعه عراق تثبیت میکنند.

تا آنجا که به حقوق و موقعیت زنان برمیگردد که دیگر بر بی اطلاع ترین شهروند جهان نیز روشن است که یک نظام اسلامی چه بلایی بر سر زنان میآورد و چگونه آنها را از هر گونه حقوقی محروم میکند. تا

همین الان نیز محرومیت و مشقات بسیاری بر زنان در عراق تحمیل شده است. این عقب گرد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیش از هر چیز تاثیر خود را بر وضعیت زنان آشکار میسازد. نظامی که این قانون اساسی به مردم عراق نوید میدهد نظامی ارتجاعی، مختنق، عقب مانده، ضد انسان، ضد زن و آستن کشمکش و جدال دائمی است.

محسن ابراهیمی: همین جنبه یعنی موقعیت زنان در عراق یکی از نگران کننده ترین وجوه قانون اساسی مورد بحث است که مردم عراق و نیروهای سکولار و آزادیخواه را بدرستی بشدت نگران کرده است. چرا این جنبه یکی از برجسته ترین موارد نگرانی است؟

آذر ماجدی: اکنون پس از یک ربع قرن تجربه جمهوری اسلامی ایران، افغانستان، چه در زمان طالبان و چه هم اکنون، تاثیر نیروهای اسلامی در کشورهای اسلام زده، از جمله الجزایر و فلسطین و حرکت اسلامیست ها در همین دوره در عراق به تمام دنیا ماهیت ارتجاعی و ضد زن اسلام و اسلام سیاسی را آشکار کرده است. اکنون در اذهان همه اسلام مترادف است با بیحقوقی زن. به همین خاطر است که انسان های آزادیخواه و سکولار، و طرفداران برابری زن و مرد بحق بسیار نگران و آشفته هستند. نگران وضعیت و سرنوشت زنان در عراق اند. حرکت اسلامیست ها طی دو سال اخیر در جهت محدود کردن زنان و تحمیل قوانین اسلامی بر زنان بخوبی آینده سیاه و تاریک زنان را در عراق نشان میدهد. یک حکومت اسلامی بنا به تعریف ضد زن و زن آزار است. تحمیل حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی و حاکم کردن مرد بر

سرنوشت زن خانواده، محدود کردن اشتغال، استقلال و حرکت آزادانه زن از اولین پیامد های حاکمیت یک نظام اسلامی است.

محسن ابراهیمی: دولت آمریکا مدعی است که تصویب این قانون اساسی مرحله مهمی از تثبیت سیاسی و استقرار آزادی و امنیت در عراق است. بیانییه ادعا میکند که برعکس، این قانون و حکومت مورد نظرش وضعیت فاجعه بار عراق را تداوم و گسترش خواهد داد. چرا فکر میکنید تصویب این قانون اساسی و استقرار حکومت سیاسی مورد نظرش اوضاع را بلتر خواهد کرد؟

آذر ماجدی: همانگونه که در بالا نیز اشاره کردم، این قانون اساسی تلاشی است برای تثبیت و تحکیم نظامی اسلامی - قومی در عراق که بر تفکیک انسان ها به اقوام و مذاهب مختلف بنا گذاشته شده است. این یعنی نسخه فلاکت و بیحقوقی مردم. این یعنی دائمی کردن کشمکش و جنگ میان ساکنین عراق بر مبنای قومیت و مذهب.

پیش از حمله نظامی آمریکا نیز عراق در بند تقسیم بندی های قومی و مذهبی اسیر بود و ناسیونالیسم عرب بر جامعه حکم میراند. پیش از این نیز ما شاهد یک کشمکش دائم در جامعه عراق بودیم. اکنون این وضعیت که پس از حمله نظامی آمریکا به اوج ناسامانی رسید، توسط قانون اساسی پیشنهادهی و تبلیغات دولت آمریکا و دولت های غربی ایده آلیزه میشود. پدیده ای که موجب بدبختی، ناامنی و بیحقوقی مردم است بعنوان نسخه ای برای حل معضلات و کلید دروازه بهشت به مردم حفته میشود. مردم را در یک استیصال و در یک شرایط تیره و تار اسیر میکند. غرب میکوشد آنچه در عراق میگذرد و قانونی که

محصول این شرایط سیاه است را عین پیروزی دموکراسی و حاصل یک مبارزه پیشرو برای دستیابی به آزادی و حقوق بشر قلمداد کند. این یک دروغ و قیحانه و آشکار است.

محسن ابراهیمی: راه برون رفت از این وضعیت در عراق چیست؟

آذر ماجدی: موقعیت عراق بسیار پیچیده و بغرنج است. آنچنان شرایطی را در عراق آفریده اند که خلاصی از آن به آسانی میسر نیست. دو نیروی تروریست به جان یکدیگر و به جان مردم افتاده اند. از شریک به یک تنهایی خلاص شوی میدان را برای دیگری باز کرده ای. لذا باید راه حلی برای خلاصی از هر دو یافت. بیانییه دفتر سیاسی بر اخراج نیروهای نظامی آمریکا و متحدینش از عراق و خلع سلاح نیروهای تروریست اسلامی و قومی تاکید میگذارد. این راه حل فقط با درگیر شدن مردم متمدن و انسان دوست جهان امکان پذیر است. روشن است که یک نیروی سومی که در پروسه جنگ در گیر نبوده است باید وارد صحنه شود تا این شرایط را تضمین کند. آنگاه باید کوشید تا قبل از هر چیز امنیت را به جامعه بازگرداند، فقر و فلاکت را کاهش داد و امکان ابراز وجود اجتماعی و سیاسی مردم را تامین کرد. این حداقل شرایط لازم برای بدست گرفتن سرنوشت مردم به دست خودشان است. نظامی که بر عراق حاکم میشود باید یک نظام سکولار باشد که آزادی و برابری حقوق شهروندان را صرف نظر از نژاد، قوم، مذهب و جنسیت تضمین میکند. اینها حداقل شرایط لازم است. روشن است که دستیابی به این شرایط در اوضاع کنونی بسیار سخت و پیچیده است. از این رو باید تمام تلاشمان را بر بسیج بشریت متمدن حول چنین پلانفرمی متمرکز کنیم. فقط با به میدان کشیدن این بشریت متمدن است که میتوان امید

را به جامعه عراق بازگرداند و روزنه هایی را به یک آینده روشن و امن در عراق گشود.

محسن ابراهیمی: بیانییه مدعی است که امروز پرچم سکولاریسم و مدنیت در دست جنبش کمونیسم کارگری است. چرا و به چه معنی؟

آذر ماجدی: در چند دهه اخیر، بخصوص پس از پایان جنگ سرد شاهد بوده ایم که نیروها، دولت ها و جریانات بورژوازی دنیا را به چه قهقرايي رهنمون شده اند. سیاست های نظم نوینی یکی از محصولات همین دوره است. می بینیم که چگونه دنیای به اصطلاح جهان سوم را به جنگ و آشوب و ویرانی کشانده اند. آفریقا را در نظر بگیرید که در آن چگونه تحت جنگ های قومی مردم را به اسارت و بدبختی کشانده اند. به خاورمیانه و جهان اسلام زده نگاه کنید، عراق و افغانستان از محصولات این دوره است. در خود اروپا، یوگسلاوی و قتل و عام و پاکسازی قومی و فقر و فلاکت و ناامنی که بر زندگی اکثریت مردم تحمیل شده است، حاکم کردن مذهب بر سرنوشت مردم، بخصوص در محیط های اسلامی اینها همه نقش بورژوازی و جریانات جوراجور بورژوازی را بخوبی نشان میدهد. جریانات چپ حاشیه ای ضد امپریالیست را نیز شاهدیم که چگونه تحت پرچم مبارزه با امپریالیسم تروریسم سیاه اسلامی را توجیه میکنند و در راس جبهه نیروهای مترقی قرار میدهند.

اکنون پرچم مبارزه با تمامی این عقب ماندگی و عقب گرد سیاسی - اجتماعی و فرهنگی بدست کمونیسم کارگری است. حتی دفاع پیگیر از سکولاریسم که یکی از مطالبات سنتی بورژوازی بوده و در انقلاب کبیر فرانسه بورژوازی پرچم آن را برافراشت اکنون بر دوش کمونیسم کارگری قرار گرفته است. *

پیگرد شماره یک

ماهنامه مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم منتشر شد!

در پاسخ به فراخوان مالی حزب

لیست شماره ۴

کمکهای رسیده از: ایران:

جمع از دوستان کامی	۶۰۰ هزار تومان
جمع آذرخش	۸۰ هزار
سعید رضائی	۵۰ هزار
شیوا از سندانج	۸۰ هزار
جمع از دوستان حزب از طریق کریم شاه محمدی	۲۳۰ هزار

سوئد:

حوزه کارون	۳۰۰۰ کرون
سامان پیرانسته	۱۰۰۰
سازمان جوانان کمونیست	۷۹۴
پروین شاعری	۱۰۰
نرگس زنگنه	۱۰۰
از طریق پریسا و افسانه	۲۵۰
دوستدار حزب	۴۰۰
کارمند آ اف	۵۰
سازمان جوانان کمونیست گوتنبرگ	۹۳۰
کلمک از طریق عبدالله اسدی	۳۰۰۰
شاره نوری و نازنین صدیقی (سازمان جوانان)	۳۵۰
دلارام	۱۰۰۰
بهروز مهربادی	۱۰۰۰
غلام و آذر	۵۰۰
برنا	۲۰۰
دوست حزب	۳۰۰

فنلاند:

شمه	۵۰ یورو
عمر معروفی	۵۰
ژینو	۵۰
سوما	۳۰
A-R	۱۰
Kirsi	۲۰

کانادا، ونکوور

خلیل	۱۲۰ دلار کانادا
فرح	۵۰
مرتضی	۵۰

شرق کانادا

از طریق میزهای اطلاعاتی ۳۰۲ دلار کانادا	۱۷۰۰
و شهلا نوری	۱۷۰۰
یکی از حوزه های حزب کمونیست کارگری	۱۰۰۰۰
در استکهلم، حوزه ستاره	۱۵۰۰
از طریق میزهای اطلاعاتی استکهلم	۱۰۰
روحی	۲۰۰۰
سارا و سیاوش دانشور	۱۱۲۵
روزبه سیدنی	۱۰۰۰
الیزابت شاه محمدی	۱۰۰ دلار
شاره نوری	۵۰ دلار
دوستدار حزب	۲۰۰
اعضای یکی از حوزه های حزب کمونیست کارگری در استکهلم، بنام حوزه مونا، مبلغ	۵۰
۲۰ هزار کرون تجهیزات کامپیوتری مورد نیاز حزب را بعهده گرفتند.	۱۱۰۰ کرون

واحد حزب در نروژ،

از طریق میز مالی اطلاعاتی ۱۱۰۰ کرون

آلمان:

کلن، از طریق میز اطلاعاتی ۵۰ یورو	۳۰
از طریق مینا و محبوبه	۲۰
امیرراد	۱۰
دکتر	۱۰
نوید	۱۰۰
دوستدار حزب	۱۰۰
دوستدار حزب	۱۰۰
فدراسیون	۳۶۰

کاسل، از طریق میز اطلاعاتی ۸۰

هلند:

فرشاد حسینی	۱۰۰ یورو
فدراسیون پناهندگان ایرانی	۵۰۰ دلار

جمع لیست ۴	۱۳۴۸۰ دلار
لیست ۱	۲۳۷۵۰ دلار
لیست ۲	۲۱۱۸۰ دلار
لیست ۳	۹۸۷۰ دلار
جمع تاکنونی	۶۸۲۸۰ دلار

از صفحه ۱

یک ماه کمپین مالی ...

مردم حل کرد. باید به اتحاد و همبستگی کارگری و حمایت و پشتیبانی انسانهای آزادیخواهی متکی شد که این حزب صدای اعتراض آنهاست. این کمپین بدرجه زیادی همبستگی عمیق و سیاسی کارگران و دوستان حزب را به ما نشان دهد. در این کمپین من که بیشتر با اعضا و دوستان حزب در داخل مرتبط بودم، شاهد همبستگی و حمایت هایی بودم که واقعا پر شور و شغف آور بود. فکر کردم هر چند کوتاه از آنچه که شنیده ام و به وجد آمده ام چند نمونه ای را بازگو کنم.

دوست کارگری با من تماس گرفت و گفت او ماهانه ۱۵۰ هزار تومان مزد میگیرد و میخواهد ۵۰ هزار تومان آترا به حزب کمک دهد. او گفت: "شما با این کمپین حزب را

به میان کارگران و به قلب جامعه بردید. وقتی شنیدم حزب با مشکل مالی روبرو شده، وقتی شنیدم وضع مالی حزب به خط قرمز رسیده و ممکن است صدای رادیو و تلویزیون آن دیگر شنیده نشود، اشک در چشمانم نشست. با خودم گفتم ما کارگران نمیگذاریم حتی برای یک لحظه صدای رادیو انترناسیونال، این صدای آزادی و صدای ما کارگران و تلویزیون کانال جدید و بویژه برنامه ما کارگران، برنامه کارگران و یک دنیای بهتر خاموش شود. هیچوقت اینقدر خود را با حزب یکی نمیدیدم. بیش از هر وقت احساس کردم که این حزب حزب خود ما، حزب کارگران است و باید صدایش رساتر از هر وقت گوش این صاحبان سرمایه و ستم را کر کند."

دوست کارگر دیگری میگفت:

شما چشم و گوش ما کارگران را باز کردید، شما از دره های ما سخن گفتید و همواره به ما راه نشان دادید. ما نمیگذاریم صدای رادیوی این حزب خاموش شود. این حزب ماست و ما به کمپین مالی این حزب به کمپینی که عزیز ما حمید تقوایی اعلام کرده است، حتی با مبلغی کوچک بهترین پاسخ خود را بدهیم. ما با شما هستیم. ما این حزب را بر سر دست میگیریم و فریاد میزنیم زنده باد آزادی، زنده باد برابری و زنده باد سوسیالیسم. سوسیالیسم تنها دوی درد ماست."

دوست دیگر از برنامه زنده آذر ماجدی در ارتباط با کمپین مالی حزب سخن میگفت و احساسش را چنین بیان میکرد: شهلا جان هیچوقت انقدر احساس غرور و شادی نکرده بودم. وقتی آذر ماجدی صحبت میکرد و از زبان رهبران این حزب میشنیدم که ما میخواهیم

دنیایی را متحول کنیم. احساس غرور می کردم و شتاب داشتم تا به هر کس که میشناسم سر بزنم و فریاد بزنم که بیایید کارگران به حزبمان بپیوندید. بیایید و از فراخوان مالی این حزب که حزب ماست حمایت کنیم. وقتی برنامه را میدیدم احساس کردم که با چنین حزبی ما پیروز خواهیم شد. چون جدیست، چون مسایلش را با ما کارگران و با جامعه طرح میکنند و حزب متحد کننده ما کارگران است. دوستی از سمنان تماس گرفت و گفت من خبر کمپین مالی شما را گرفتم و میخواهم هر ماه ۵۰ هزار تومان به حزب کمک کنم و همبستگی سیاسی خودم را با این کمپین اعلام میکنم.

طی این مدت جنب و جوش بسیاری در میان اعضا و دوستان حزب در پاسخگویی به این کمپین را شاهد بودیم. جمع های کارگری ما با

درآمدهای ناچیز خود پولهایشان را روی هم گذاشتند و با ما تماس گرفتند و کمکهایشان را با ابتکارات جالب و متنوع به دست ما رساندند. در نمونه ای از این تلاشها شاهد بودیم که تعدادی از کارگران در یک محفل که مرتباً صدای رادیو انترناسیونال را گوش میدادند، کمکهای خود را رویهم گذاشته و ۱۵۰ هزار تومان برای ما کمک ارسال کردند. این تلاشها و این جنب و جوش ها ادامه دارد. یکی از دوستان کارگر ما میگفت این کمپین باعث شد در میان ما دوستان حزب در اینجا نیز اتحاد و همبستگی بیشتری بوجود بیاید و حتی کسانی که بعضاً فاصله گرفته بودند و با شنیدن این فراخوان جلو آمدند و اکنون همه ما در این اندیشه ایم که گام بعدی حرکت ما چه خواهد بود. زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد سوسیالیسم.*

درخواست از نجات یافتگان و بازماندگان قتل عام تابستان ۱۳۶۷

بازماندگان قتل عام ۶۷ می‌خواهد که اطلاعات و اسناد خود را از این فاجعه اسلامی برای تنظیم ادعای علیه مسببین و آمرین و عاملین این فاجعه در اختیار ما قرار دهند. سران رژیم اسلامی باید به جرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. این خواست مردم آزادیخواه است.

علی جوادی
رئیس مرکز پیگرد سران رژیم
به جرم جنایت علیه مردم
۳ سپتامبر ۲۰۰۵

Email: Ali_Javadi@yahoo.com
Tel: 001 310 402 6567

جواب منفی مترادف با اعدام و مرگ بود؟
دسته دسته زندانیان را اعدام کردند. هزاران نفر به جرم انسان بودن آزادیخواه بودن کمونیست بودن مخالف بودن به خاک و خون کشیده شدند. زندانهای کشور پاکسازی شدند. تابستان ۶۷ یک هلاکاست اسلامی، یک قتل عام اسلامی بود. مسببین این قتل عام باید به جرم جنایت علیه مردم محاکمه شوند. مردم جهان باید بدانند که این جانباختگان با مردم چه کردند. مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی از تمامی نجات یافتگان و

ماههای مرداد و شهریور ۱۳۶۷ ماشین آدمکشی رژیم اسلامی یکی از فجیعترین محصولات خود در تاریخ بشری را آفرید. آمار دقیقی در دست نیست اما حداقل بیش از ده هزار نفر در طی مدت کوتاهی به فرمان مستقیم خمینی به دار کشیده شدند.
هیات سه نفره فرماندهی کشتار متشکل از اشرافی نیری و رازینی با چند سؤال به سراغ زندانیان رفت. آیا مسلمانید؟ آیا نماز میخوانید؟ آیا سازمان سیاسی مطبوع خود را محکوم میکنید؟ آیا با رژیم اسلامی همکاری میکنید؟ یک

نماینده چیزی جز قتل و جنایت نیست و باید با همین عنوان هم به جهانیان معرفی شود و با او برخورد شود! او باید دستگیر و در دادگاههای بین المللی محاکمه گردد.
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران در اعتراض به سفر احمدی نژاد به نیویورک و حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی تظاهراتی را در مقابل مقر سازمان ملل در نیویورک و چند کشور دیگر فراخوان داده است. ما همه مردم آزادیخواه مخالفین جمهوری اسلامی را به شرکت در این اعتراضات فرا می خوانیم. با شرکت وسیع و گسترده در این حرکات اعتراضی، جمهوری اسلامی را در عرصه بین المللی رسوا تر کنیم و صدای مبارزات حق طلبانه مردم ایران علیه این رژیم سرکوبگر را هر چه قوی تر به گوش جهانیان برسانیم.

احمدی نژاد، رئیس جمهوری توحش و جنایت اسلامی، قرار است برای شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل روز ۱۴ سپتامبر در نیویورک باشد. احمدی نژاد نه فقط در راس حکومتی با کارنامه هزاران اعدام، شکنجه و سنگسار و نقض گسترده حقوق انسانی قرار دارد، بلکه بنا به شواهد متعدد خود یکی از عوامل مستقیم ترور و شکنجه و آدم ربایی است. او مامور زدن تیر خلاص به زندانیان سیاسی در شکنجه گاههای حکومتش بوده است. اعضای کابینه او نیز از قماش خود او هستند و اغلب پرونده ای قطور از قتل و جنایت و ترور دارند. میکروفون دادن در سازمان ملل به جنایتکاری نظیر او شرم آور است. دولتها و نهادهای بین المللی باید بدانند که اگر قتل و شکنجه و آدم ربایی جنایت است و عاملانش باید پاسخگوی اعمال خود باشند استثنایی در این مورد نباید وجود داشته باشد. احمدی نژاد

اعدام فعالین سیاسی، یک زنگ خطر مهم

جمهوری جنایت اسلامی اسماعیل محمدی و محمد پنجوبینی، دو فعال سیاسی را اعدام کرد

دیگری به اعدام محکوم شده و برخی نیز با سببیت و بیشرمی تمام در مراکز شهرها اعدام شده اند. کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن محکوم کردن شدید اجرای حکم اعدام بر علیه اسماعیل محمدی و محمد پنجوبینی، خواهان اعتراض علنی همه نهادهای مدافع حقوق انسانی و مردم مترقی به حکومت جنایتکار اسلامی است.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۷ سپتامبر ۲۰۰۵

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
minaahadi@aol.com

بعد از آن محکومین به اعدام بجرم فعالیت سیاسی همچون حجت زمانی و سعید ماسوری، اگر چه اسپر حکومت بودند، ولی احکامشان به مرحله اجرا نرسید. اسماعیل محمدی و محمد پنجوبینی که در رضاییه اعدام شدند، جزو اولین موارد اجرای احکام اعدام بر علیه فعالین سیاسی و بجرم فعالیت سیاسی در دو سال اخیر هستند.
همزمان حکومت اسلامی تعداد دیگری را بجرم فعالیت سیاسی محکوم به زندان و پرداخت جریمه کرده است.
همزمان با اعدام این دو نفر، در شهرهای مختلف ایران، تعداد

جمهوری اسلامی ایران با رییس جمهور جدیدش، احمدی نژاد، اعدام افراد بجرم فعالیت سیاسی را مجدداً آغاز و آرا علنا اعلام کرد. روز سوم سپتامبر دو فعال سیاسی بدست حکومت جنایت اسلامی اعدام شدند.
این یک روند خطرناک دیگر است که باید با عکس العمل بسیار گسترده در سطح جهان و در ایران مواجه شود.
مدتها بود که حکومت جنایت اسلامی، جرات اجرای احکام اعدام فعالین سیاسی را نداشت و یا حداقل اینرا رسماً اعلام نمیکرد. دو سال قبل آخرین مورد اعدام بجرم فعالیت سیاسی در کردستان اتفاق افتاد و

چهارشنبه ۱۴ سپتامبر

آمریکا (نیویورک) از ساعت ۹ صبح در مقابل مقر سازمان ملل
تلفن تماس: سهراب وفا ۰۰۱۲۱۴۶۷۵۲۱۲۰

سوئد (استکهلم) از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در مقابل دفتر سازمان ملل واقع در
Lilla Nygatan 1
تلفن تماس: رحیم یزدانپرست ۰۰۴۶۷۳۵۱۳۸۷۰۴

بلژیک (بروکسل) از ساعت ۱۳ تا ۱۵ در مقابل مقر اتحادیه اروپا
تلفن تماس: مینا احلی ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

آلمان (کلن): از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در مرکز شهر کلن Warlachplatz
تلفن تماس: علی مرادی ۰۰۴۹۱۶۳۶۸۰۹۹۷۲
شهرلا خبارزاده ۰۰۴۹۱۶۳۶۳۹۱۰۳۲

توضیح: به اطلاع می رسانیم که تظاهراتی که قبلاً در این اعلام شده بود به شهر کلن منتقل شده است.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email:

markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

طنین سرود انترناسیونال در گورستان خاوران گورستان خاوران امروز محل تجمع صدها نفر از مردم بود

مراسم ساعت ۱۲ تمام شود اما بدلیل شدت گرما ساعت ۱۱ خاتمه می یابد. در این هنگام همه دست در دست دور گورستان راهپیمایی کرده و سرود انترناسیونال خوانند. نیروهای انتظامی در محل بودند. ماشین قرمزی که پرده داشت و برای دستگیریهای احتمالی آماده شده بود در کناری ایستاده بود. مامورین رژیم از جمعیت فیلمبرداری میکردند اما کسی توجهی به آنها نمیکرد. این مراسم

گفت که وزارت اطلاعات چند تن از ما را صدا کرده و گفته اند که میخواهند گورستان خاوران را دستکاری کنند و تغییراتی در آن بدهند. او گفت ما به آنها گفتیم به شرطی ما تغییر در گورستان را میپذیریم که توسط خود ما خانواده ها و بستگان جانبازان انجام شود. او گفت که ما گفتیم چرا اینها را اعدام کردید و چرا الان دست بر نمیدارید. مامورین اطلاعات در جواب گفتند آن موقع انقلاب بوده و

امروز جمعه ۱۱ شهریور در گرامیداشت یاد جانبازان تابستان ۶۷ و همه جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم و همچنین در اعتراض به توطئه تغییر خاوران، شمار زیادی در گورستان مشهور خاوران گرد آمدند. در تابستان سال ۶۷ یکی از بزرگترین قتل عامهای تاریخ بشری توسط جلادان اسلامی حاکم صورت گرفت و در عرض سه ماه بیش از ۵ هزار نفر قتل عام شدند. خانواده ها و بستگان



ساعت ۱۱ پایان یافت.

حزب کمونیست کارگری ایران در هفدهمین سالگرد کشتار تابستان ۶۷ یاد همه جانبازان را گرامی میدارد. سران و کارگزاران جمهوری اسلامی باید به جرم قتل عام وسیع و فجیع تابستان ۶۷ و تمام جنایاتی که در طول ۲۶ سال گذشته مرتکب شده اند در دادگاههای بین المللی به محاکمه کشیده شوند. این خواست قلبی میلیونها نفر از مردم ایران است.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی برابر حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ شهریور ۲۰۱۳۸۴ سپتامبر ۲۰۰۵

اگر شما بخواهید اسباب کشی هم بکنید چند فنجان ممکن است از دستتان بیفتد و بشکند! او گفت ما به مامورین وزارت اطلاعات گفتیم کمیته ای از مادران تشکیل شود و این کار را انجام دهد. کارگری که سخنرانی کرد در مورد اهداف جانبازان و اینکه چرا ما جمع شده ایم صحبت کرد. در خلال سخنرانیها علاوه بر سرود انترناسیونال سرودهای دیگری نیز به یاد جانبازان خوانده شد. در مقاطعی از مراسم شعار داده میشود و شعارهای آزادی، آزادی، و آزادی برابری و شعارهای دیگری داده شد. چند جوانی که شعر خواندند در شعرهایشان به اوضاع امروز و سوسیالیسم و عدالت اشاره کردند. سرانجام اعلام شد که قرار بوده

جانبازان به همراه جمع هایی از کارگران و فعالین سیاسی از قبل از ساعت ۹ صبح امروز در این گورستان گرد آمده بودند. بنا به گزارشهای دریافتی تعداد جمعیت بین چهار صد تا پانصد نفر بود. یگ گزارش اعلام کرده که جمعیت در مقطعی به حدود هزار نفر رسید. ساعت ۹ صبح مراسم با اعلام يك دقیقه سکوت توسط مادر یکی از جانبازان انوشیروان لطفی شروع شد. سپس سرود انترناسیونال توسط جمعیت خوانده شد. در محوطه ای به وسعت حدود يك هکتار تصاویر جانبازان چیده شده بود. چند تن از مادران و یکی از کارگران و چند جوان سخنانی ایراد کردند که مورد استقبال گرم جمعیت قرار گرفت. یکی از مادران در صحبت هایش

در تهران رانندگان شرکت واحد به اعتراض چراغهای اتوبوسها را روشن کردند

کارکنان فعالیت کرده بودند رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برای رساندن مشکلات خود به گوش مسئولان چراغ های اتوبوس خود را روشن کردند. وی در مورد برخورد مسئولان به کارکنان و کارگران اخراجی افزود: که بارها مراتب اعتراض و ناراضیاتی کارکنان شرکت واحد و دلایل غیر قانونی احضار مکرر کارکنان را گوشزد کرده ایم ولی مسئولین پاسخی به این درخواستهای ما نداده اند.

رانندگان اتوبوسرانی خواهان پرداخت تمام مزایای پرداخت نشده و افزایش دستمزدها و مزایای خود هستند. شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ راننده دارد که در دوشیفت صبح و بعد از ظهر کار می کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم را به حمایت از رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی فرا میخواند. دستمزدها و مزایای همه کارگران باید به همراه غرامت دیر کرد فوراً پرداخت شود و حداقل دستمزد به سطح ۴۵۰ هزار تومان در ماه که خواست کارگران بخشهای مختلف است افزایش یابد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ شهریور ۱۳۸۴
۷ سپتامبر ۲۰۰۵

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

در حاشیه رویدادها

سیاوش مدرسی

Siavash.Modarresi@gmail.com



در حاشیه تخلیه نوار غزه

اکنون تو دشمنان خود را بر افراز از مکانی که در آن هستی به سوی شمال و جنوب و مشرق و مغرب بنگر، زیرا که تمام این زمین را که می بینی به تو و به ذریت تو تا ابد خواهم بخشید و ذریت تو را مانند غبار زمین گردانم. برخیز و در طول و عرض زمین گردش کن زیرا که آنرا بتو خواهم داد!

تورات سفر پیدایش ۱۳، ۱۴، ۱۸

عراق، اردن، فلسطین، شبه جزیره سینا و شامات را که یهوه خدای یهودیان در تورات به قوم برگزیده اش یعنی قوم یهود هدیه داده است، عطا بخشی میکند! اینها این سرزمین "مقدس" را هدیه خدا به قومی برگزیده و "مقدس" میدانند! اینها فلسطینیان را اشغالگر و خود را رانده شدگان از سرزمین اجدادی به امریکا و اروپا و آسیا میدانند.

افکار عمومی جهان چشم را بر واقعیت جنایاتی که علیه مردم معتقد به دین یهود در تمام طول قرون وسطی و دوران معاصر بویژه جنگ دوم جهانی رفته است نمی بندد. این مردم در تمام طول قرون وسطی بعنوان قاتلین آقای عیسی و نمایندگان شیطان تحت پیگرد کلیسا بودند و قتل عام شدند. در دوران هیتلر، نازیسم نژاد "برتر" آریایی، و کلیسای واتیکان قوم "برتر" یهود را بعنوان "قوم اهریمنی" و مرکز شرارت و زشتی قتل عام کرد. تنها بعد از جنگ دوم جهانی بود که دول فاتح با برسمیت شناختن تشکیل یک دولت یهودی بنام اسرائیل آنهم نه در اروپا و یا آژانتین بلکه در "سرزمینهای مقدس" یعنی سرزمینی که قرنهای فلسطینیان در آن ساکن بودند توافق کرد. سرزمینی لعنتی که در تمام طول تاریخ مرکز تولید جهل و خرافه بوده و میلیونها انسان در راه کسب آن بخت و خون کشیده شده اند،

سرزمینی که یاد آور خاطره تلخ جنگهای صلیبی مسیحیان و مسلمانان است. اما تاوان اینهمه سال جنایت را باید فلسطینیان پرداخت میکردند آنهم به قیمت کشتاری سیاه از هر دو سو که هنوز هم ادامه دارد.

اما حقیقتاً مرز اسرائیل کجا است؟ شاید به جرات بتوان گفت که اسرائیل تنها کشوری در جهان است که عملاً دارای مرزهای غلطان است. در واقع هیچ کدام از دولتهای اسرائیل هیچ پایبندی به معاهدات و قراردادهای بین المللی در مورد تعیین مرز و تشکیل دو دولت اسرائیلی و فلسطینی که از همان فردای به رسمیت شناختن اسرائیل از طرف سازمان ملل اعلام شد نداشته اند، هر جا و در هر موقعیتی که دست داده فلسطینیان را از خانه و کاشانه شان رانده اند و با جنگ و بولدرز مومنین یهودی را آنجا ساکن کرده اند.

موافقتنامه ی ۴ ژوئن ۱۹۷۷ ژنو که به جنگهای ۶ روزه اعراب و اسرائیل پایان داد، حق تشکیل دو دولت اسرائیلی و فلسطینی را برسمیت شناخت. یک طرف امضای این قرار داد دولت اسرائیل بود که هرگز پای اجرای آن نرفت و به پاس متحد بودنش با دولت امریکا و جنایاتی که در طول جنگ دوم جهانی علیه آنها رفته بود هرگز نام "دولت شرور" و "یاغی و سرکش" هم نگرفت و مورد هیچ مواخذه بین المللی هم قرار نگرفت. دولتهای متعدد اسرائیلی هرگز و بطور عملی تشکیل دولت فلسطینی را به رسمیت نشناختند. دور اول این کشمکش جنگ علیه مقاومت قبیله های مسلمان بود،

دور دوم مقاومت ناسیونالیسم و "تجدد گرایی" عرب به رهبری جمال عبدالناصر رنگ آزادبخشی بر جنبش فلسطین پاشید و پیامد شکست این جنبش عروج یکی از سیاه ترین و تروریستی ترین جنبش های تاریخ معاصر یعنی جنبش اسلام سیاسی در قالب انتفاضه بود. و امروز در هر دو سوی این منازعه خونبار و ضد بشری رادیکالهای مذهبی یهود و اسلامی قرار دارند هرچند که پایه و بهانه کشمکش در هر دو سو مسئله ملی است.

اما بالاخره آیا امروز ترک نوار غزه چشم انداز امید بخشی بر پایان اشغال مناطق فلسطینی نشین است؟ و آیا تخلیه نوار غزه برای حفظ کرانه باختری رود اردن نیست؟ آیا بالاخره دولت اسرائیل میپذیرد که مرز دارد و از سرزمینهای اعطایی یهود به "قوم برگزیده" صرف نظر میکند؟ و از دوران ماقبل قرون وسطی به جهان معاصر پا میگذارد؟ بدون شک پاسخ این سولها منفی است! این تاکتیکی است برای ادامه استراتژی های مذهبی و ارتجاعی در توازن قوای فعلی جهانی!

تردیدی نیست که تحقق این حداقل یعنی تشکیل و به رسمیت شناختن دو دولت اسرائیلی و فلسطینی بدون یک فشار جهانی ممکن نخواهد بود. بازهم تردیدی نیست که تشکیل این دو دولت نقطه آغاز کشمکش مردم سکولار و آزاد از قید و بند مذهب در هر دو سوی این منازعه، هم در فلسطین و هم در اسرائیل با نیروهای تروریست مذهبی مسلمان و یهود خواهد بود. تشکیل دو دولت فلسطینی و اسرائیلی نقطه آغاز یک انقلاب

اجتماعی برای رهایی از قید و بند مذهب در هر دو کشور اسرائیل و فلسطین خواهد بود. انقلابی که اگر نیروهای سوسیالیست در راس آن قرار بگیرند چشم انداز برچیدن مرزها و تشکیل دولت مشترک را نوید خواهد داد.

تجربه تاکنونی نشان میدهد که هرگاه که زمزمه صلح بلند میشود و فتیله جنگها پائین کشیده میشود، هم در اسرائیل و هم در فلسطین کشمکش بین سکولارها و مذهبی ها آغاز میشود. این تجربه را هم نیروهای اسلام سیاسی در فلسطین و هم نیروهای یهودی سیاسی در اسرائیل به خوبی درک کرده اند. هواداری سفت و سخت اینها از جنگ تقویت پایگاه اجتماعی شان در داخل مناطق تحت سلطه شان است. یکی بدون دیگری معنی ندارد. اسلام سیاسی بدون یهودگرایی سیاسی و یهود گرایی سیاسی بدون اسلام سیاسی نمی توانند اقتدار اجتماعی شان را بر محیط اجتماعی شان تحمیل کنند. تحمیلی که منطقه را بخاک خون کشیده است. این دو تکمیل کننده و علت وجودی همدیگر هستند. اسلام سیاسی بدون تروریسم ماشین دولتی اعراب و باج خوری یهودگرایی سیاسی چه در اسرائیل و چه در سراسر جهان نمی تواند وجود خارجی داشته باشد. شارون بدون حماس، اسامه بن لادن و خامنه ای بدون جورج بوش امکان حیات ندارند! بدون شک پایان دادن به این منازعات خونین کار و وظیفه جنبش سوسیالیسم کارگری و سکولار در سراسر جهان است. *

۱۱۰ نفر از کارگران شاهو دستمزد سه ماه خود را دریافت کردند

به دنبال اعتراضات مستمر و تجمعات متعدد بالاخره ۱۱۰ نفر از کارگران کارخانه شاهو در سنندج موفق شدند روز سه شنبه ۱۵ شهریور سه ماه از دستمزدهای معوقه خود را بگیرند. این ۱۱۰ نفر میبایست تمام چهارماه دستمزد معوقه خود را دریافت میکردند اما امروز فقط دستمزد سه ماه را به آنها پرداخت کرده اند.

مدیریت کارخانه تعهد کرد تا آخر شهریورماه همه حقوقهای معوقه را پرداخت کند. ۲۸ نفر از کارگر اخراجی شاهو که در پی اعتراضات طولانی مدت خود موفق شدند به سر کار برگردند، هنوز دستمزدهای معوقه خود را دریافت نکرده اند. این کارگران به مدت ۸ ماه دستمزدی دریافت نکرده اند. حقوق دوران اخراج و بلا تکلیفی به آنها پرداخت نشده است. این در حالی است که هئیت حل

اختلاف و هئیت تشخیص قبلاً به این ۲۸ کارگر شاهو حق داده بود و کتباً اعلام کرده بود که باید کارگران اخراجی تمام حقوق و مزایای دوران بلا تکلیفی خود را دریافت کنند. این نامه روز ۱۳ شهریور از طرف اداره کار به مدیریت کارخانه شاهو ابلاغ شده است.

این ۲۸ کارگر هنگامی که متوجه شدند دستمزدهای آنها پرداخت نمیشود بلافاصله در مقابل استانداری تجمع کردند و اعلام

نمودند که اگر تا فردا چهارشنبه ۱۶ شهریور ساعت ۸ صبح دستمزدهای معوقه آنها پرداخت نشود دست به اقدامات جدی تری خواهند زد.

علیرغم سیاست ضد کارگری مدیران کارخانه شاهو برای ایجاد تفرقه در میان کارگران، و نپرداختن دستمزد بخشی از کارگران، کارگران دریافت سه ماه دستمزدهای معوقه خود را یک پیروزی دانستند و جشن گرفتند. کارگران خشنود بودند که توانسته اند بخشی از دستمزدهای خود را بگیرند. همزمان اعلام کردند که کماکان برای رسیدن به تمام

خواستهایشان اعتراض را ادامه خواهند داد.

کمیته کردستان حزب این موفقیت را به کارگران شاهو تبریک میگوید و همه کارگران شاهو را به اتحاد و یکپارچگی دعوت میکند. کارگران شاهو باید متوجه دسیسه های تفرقه افکنانه مدیر کارخانه و مسولین دولتی باشند. کارگران تنها با اتحاد و یک پارچگی میتوانند مطالبات خود را به کارفرما و دولت تحمیل کنند.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ شهریور ۸۴ - ۶ سپتامبر ۲۰۰۵